

# قیام ایران

روز نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هادی بهزاد

## تجربه فلسطین

جهان برانگیخته است، در عین حال تصویری از این واقعیت است که "جنبش فلسطین" پس از چهل سال افت و خیز، سرانجام معبر اصلی و کلید معمای خود را یافته است.

ویژگیهای این مرحله در دو زمینه است: اساسی جلب توجه می کند:

۱- برای نخستین بار، قیام نه در قالب شبیخون های موسمی و نه با الگوهای تروریستی " ویا قابل تعویب ربه تروریسم" بلکه با تمام مختصات یک حرکت مردمی، درون سرزمین های اشغالی و رود روی حریف شکل گرفته است - بر اما لیت و حقانیت خود متکی است و طبیعتاً از هرگونه تها مونسبت ضایع کننده ای مصون است.

بقیه در صفحه ۲

فردین رختا

## فردین رختا

### در لباس رزم

نخیر، با دیدیک قندوگلاب مفصلی هم برای فلدما رشا ل ها تهیه ببینیم. فلد - ما رشا ل های جان برکف دشمن ستیز لشکرشکنی، که قرا بود تا آخرین قطره خون خود را در راه حفظ و حراست میهن ایثار رکنند، ولی به حکم عرق وطن پرستی و خدمتگزار، صلاح و مصلحت مُلک را در این دیدند که روز ۲۲ بهمن ۵۷، پای یک سند "میهنی" مسمی به "بی طرفی" را امضاء کنند. کردند و زمام امور مملکت را به کف با کفایت آخوند سپردند و وجود ذیقیمت خود را برای روز "مبادا"، به سنگ سواحل سلامت منتقل کردند. (و خواهم دید که، در عوض، استراتژی آخوند را اقتباس کردند.)

به حساب سرانگشتی، این ۲۷ امیر "بی طرف" آن روز، دست کم ۲۷ کیلوگرم آهن و نقره و طلا به صورت نشان های تاج و هوما بیون و ذوالفقار و غیره به سینۀ آویخته بودند. این ها را چرا به آن ها داده بودند؟ آن ها که نه "وردن" را فتح کرده بودند، نه "استالینگراد" را! شاید این ها را علی الحساب شجاعت های بعدی داده بودند، به حال برای "بی طرفی" ندادند بودند، داده بودند که بخصوص "طرف" باشند.

بقیه در صفحه ۵

حوادث غزه و ساحل غربی رود اردن، خاصه هیجان و حمایت بی سابقه ای که در سراسر

حسینلی مکان

### اشباح تصمیم گیرنده

### واجساد بی تصمیم

شورای امنیت با ردیگر به دبیرکل سازمان ملل متحد مأموریت داد که در جهت قطع مخاصمات و برقراری آتش بس بین ایران و عراق اقدامات فوری و قطعی بعمل آورد و آقای "ده کوئرا" نیز از وزیران خارجه دو کشور دعوت کرد برای مذاکرات فوری به نیویورک بروند.

اشکال کار سازمان ملل و مراجع بین المللی واکثردول خارجی آنست که در رابطه با جمهوری اسلامی بر اساس "پروتکل عمل" می کنند. طبق "پروتکل" مذاکرات سیاسی با هر کشوری با اید ز طریق وزارت امور خارجه آن کشور صورت گیرد که مرجع تصمیم گیری در مسائل خارجی است اما وقتی وزارت امور خارجه هیچ اختیاری

بقیه در صفحه ۱۲

از مجله اکسپرس

### موشک در برابر موشک

جنگ ایران و عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد و تا بحال بیش از یک میلیون کشته و زخمی برجای نهاده است بنا بر این از سرگیری "جنگ شهرها" به وسیله "موشک" چیزی جز یک مرحله تازه در این خونریزی بی انتها نیست. با این همه این امر گویای آشفتگی رژیم بغداد و انحرافی شدید به سوی یک استراتژی ضد شهری و همچنین نشانه تحولی خطرناک در رازدخانی های یکی از حساس ترین مناطق جهان است.

این بغدادی بود که در اوایل ماه مارس با شلیک روزی چندین موشک به تهران آتش را شعله ور کرد، در حالی که راه دیویش در فواصل منظم شعار میداد: "ای موشک ها سزاین حشره مودی را بکوبید."

بقیه در صفحه ۴

## پیام رادیوئی دکتر شاپور بختیار بمناسبت

نوروز ۱۳۶۷

با ردیگر تکرار کنم: از مبارزه برای صلح، در حد توانائی، کوتاهی نکنید، می بینید که پیرمرد مجنون - در حالی که بسرای خود و نزدیکانش مطمئن ترین پناهاها را ترتیب داده - چشم در چشم کسانی که با هول و هراس بمب ها و موشک های مرگزا، در عزای عزیزان خود، خون می گیرند، بای شرمی ما فوق تصویری، می گوید: بقیه در صفحه ۳

از رادیو ایران

### اندر بالای سخت ...

بر ما ملت ایران روزهای سختی می گذرد، روزهای سخت تر از این، شاید، در پیش باشد. آن روزگاران دشوار رودرناکی را که در طول تاریخ بر ملت ایران گذشته است، وقتی که در کتایبها می خوانیم، با نوعی احساس همدردی تاریخی می بینیم. و امروز یکی از آن روزهای تلخ و تاریک نصیب خودمان شده است. در دورنج دیروز دنیا کان ما در این آب و خاک، غبار اندوهی بردلها یمان می نشاند، لیکن از خواندن داستان مقاومت ها ئی که آنان کردند، پایداری ها ئی که نشان دادند، احساس سربلندی ای می کردیم که چون صیقلی زنگار غم از دلها یمان می زدود.

بقیه در ۹

نوشته مارک گاز پوروسکی

### کودتای ۱۹۵۲ در ایران

در شماره مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۴۶ - قسمت ها ئی از رساله "مارک گاز پوروسکی، رئیس دیپارتمان علوم سیاسی دانشگاه لوزیان - راجع به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - راجع کردیم. عده ای از خوانندگان ما، بوسیله نامه، تقاضا کرده اند که متن کامل این بررسی را بنظرشان برسانیم. با توجه به این که رساله مزبور با استفاده از شیوه ملی آمریکا و مرکز اسناد انگلستان و مصاحبه با غالب ما موران دست اندر کار کودتا، به رشته تحریر درآمده و نویسنده آن را کامل ترین تحقیق در زمینه دخالت آمریکا و انگلیس در کودتای ۱۹۵۲ میدانند، به خواهش آقای فواد روحانی کار ترجمه آن را تقبل نمودند و از این شماره، در ۴ قسمت بنظر خوانندگان گرامی می رسد.

بقیه در صفحه ۸

خواهران و برادران عزیزم، فرارسیدن نوروزگرمی را، کاش می توانستم با خاطری آسوده، به شما تبریک بگویم و آرزو کنم که هر روزتان، چون امروز، عیدی و نوروزی باشد. اما شما - نوروز مصیبت باری را می گذرانید و بهار را، با ردیگر، در میان آتش و خون آغاز می کنید. یقین بدانید که در این ایام بلاخیز، لحظه ای از یاد دشمنان و عداوتان، غافل نیستیم و آنچه در توان داریم، بسرای پایان دادن به این کابوس چندساله ملت ایران تلاش می کنیم.

امروز، در این مهلکه خونبار، اگر جای شادباش گفتن نیست، لاف لایق جای آنست که، بعنوان پیام نوروزی، این توصیه را سعید رضوانی

### راه بی پایان

یک سال دیگر هم گذشت و ایران در آتش جنگ، هرج و مرج، بیداد، استبداد، اختناق و ارتجاع سوخت و همچنان می سوزد. جنگ، در هفته های پایانی سال شدت یافت. ایران نیا ن مراسم آغاز سال را در شرایطی برگزار کرد که از زمین و آسمان ایران آتش می بارید. در آغاز سال جدید جنگ در زمین، در هوا و دریا بسختی ادامه دارد. هر یک قدم جلورفتن یا عقب نشستن در جبهه های زمینی به قیمت جان دهها هزار انسان تمام می شود و در همین حال، انسان های بی دفاع در مناطق دور از جبهه زیر باران بمب و موشک نابودی خانه و زندگی و شهروطن خود را نظاره می کنند.

بقیه در صفحه ۳

### اعتراض های جهانی به

### جنگ شیمیایی

جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۱ مارس، اعلام کرد که عراق در روزهای شانزدهم و هفدهم مارس، با کابرد بمب های خوشه ای محتوی گازهای سیانور و خردل شهرهای حلبچه، خورمال، دجیله و چندین روستا را در کردستان عراق بمباران کرده است که در نتیجه آن، پنج هزار تن کشته و پنج هزار تن زخمی شده اند و زخمیان به بیمارستان های ایران منتقل گردیده اند.

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

## تجربه فلسطین

اشغالی رغبتی ندارد و این سهل است با اسلام بیت المقدس زیر عنوان "یا بیتخت جاودانی اسرائیل" و بهانه‌های از این دست که: "هرگز و هیچگاه به مذاکره با سازمان آزادیبخش تن در نخواهند داد، چرا که اولاً" یک گروه تروریستی است و ثانیاً "حق ندارد به نمایندگی از سوی تمامی فلسطینیان عرض اندام کند" - عملاً از حل مشکل مزمن و خطرناکی که به انواع رشته‌ها با سرنوشته منطقه گره خورده است، مانع شده‌اند.

در کنار این تمایل افراطی و سستی که گاه ناگزیراً با زتاب‌های خیره‌کننده‌ی تعصب نژادی و مذهبی است، گرایش‌های متنوع دیگری - البته در درجات مختلف "ملاطمت" - به چشم می‌خورد که تنها درجا معنی بین المللی یهودیلکه در اسرائیل نیز خرد خرد شده و ریشه‌ها به نیروی اثرگذاری مبدل شده است.

در متن این گرایش‌ها ست‌کتاب ملی در خط آینده‌نگری نضج می‌گیرد و جای خود را با زمین‌دوان توجه به افزایش سریع نفوس غیریهود در قلمرو دولت اسرائیل است که پیش‌بینی می‌شود، در سال‌های نه چندان دور، مشکلی در غایت پیچیدگی بر انبوه مشکلات این کشور بیفزاید و اندیشه‌ی "کشور مستقل یهود" را از اساس به مخاطره اندازد. یکی از جنبه‌های فشاری اسرائیل بر مهاجرت یهودیان شوروی و جذب آن‌ها به اسرائیل گذشته‌از مسائل سیاسی در سطح رقابت‌های بین المللی ناشی از همین دلهره است که مبادا تناسف نفوس به نحو زودرسی مختل شود.

بدیهی است این گونه بگومگوها و تضادهای حکایت امروزی نیست ولی به وضوح قابل درک است که جنبش یکپارچه مردمی در غزه و ساحل غربی رود اردن و جای جای در قلب اورشلیم، در همان حال که به طرح جدی این گونه مسائل دامن زده سببی شده است تا جامعه بین المللی نسبت به حل مشکل فلسطین و لزوم سامان دادن میلیون‌ها آواره و قبول حق مسلم آن‌ها بداشتن "وطن" را سخ تر عمل کند و مهم‌تر از آن دولت اسرائیل را از مواضع تعرضی به مواضع دفاعی سوق دهد. در این میان روشن بینان یهود حسی می‌کنند که حوادث سرزمین‌های اشغالی و پایداری قیام و بر خور دشمن و غیرانسانی سرپا زان اسرائیل با کودکان و زنان مردانی که لحظه‌ای از جوشش با زبانه‌اندند برای اعتبار جهانی اسرائیل صدمات جدی وارد آورده است.

توجه دارند که تشویش‌ناک مناسبت‌ها ریشه‌آورد سرکوب کودکان و زنان و مردان کلان سال، شکستن استخوان کسانی که به دام می‌افتند زنده بگور کردن نوجوانان، حمله به بیمارستان‌ها و ضرب و شتم اطباء و پرستاران، رفته رفته می‌رود تا شمر همه‌ی شب و تابی راکه طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، برای شش‌مات مظلومیت خود داشته‌اند و نیز خا طسره‌ی موحش قتل عام ۶ میلیون یهودی در اردوگا‌های مرگ و کوره‌های آدم‌سوز را که "به حق" با انواع شیوه‌های تبلیغی

نبوده است" به سهم خود شایسته برای این ناکامی شد.

اما مهمترین زحمه‌ی این‌ها، ظهور رگه‌های فوق العاده نیرومند واقع‌بینی در متن جامعه‌ی جهانی یهود و حتی در اسرائیل و با زتاب روشن آن یعنی اختلاف نظر روزافزون در حزب حاکم است که دولت ائتلافی "لیکود-کارگر" را مخصوماً در آستانه انتخابات، به یکی از بحرانی‌ترین مراحل حیاتی سیاسی خود غلتانده است. دیدار اسحق شمیر "نخست وزیر" بدون همراهی وزیر خارجه کا بینش "شیمون پرز" که رهبری حزب کارگر را به عهده دارد، جلوه‌ای از همین تضادهای درونی است. دست راستی‌های حکومت "جناح لیکود" طبیعاً "برخوردا را زحمایت ارتدوکس‌های یهود که هم‌چنان بر بشارت "ارض موعود"

داشت تا در اولین حرکت، توطئه‌ی "حزب الله" را با قاطعیت بشکنند و به دنیا حالی کنند که آن چه در سرزمین‌های اشغالی روی می‌دهد، خیزش مردمی و از هرگونه برچسب بدنام‌کننده‌ای مصون است.

در سایه مراقبتی چنین زیرکانه نبود که اصلت ملی و دمکراتیک قیام جافتاد و بر سر اسرجیان و حتی بر محافل معتبری از جامعه یهود اثر گذاشت و نتیجه این که:

- در ایالات متحده، بزرگترین متحد و تکیه‌گاه اسرائیل این فکرت گرفت که مشکل فلسطین را آن گونه که تا کنون افراطیون اسرائیل القا کرده‌اند، زمان حل نخواهد کرد.

چهل سال امید و انتظار در کنار موهومی که گویا کوفتگی و غلبه‌ی بی‌تفاوتی



کامبیز درم بخش

و تعالیم" مقررات مقدس" چسبیده‌اند. بی آن که طلب باطنی خود را افشاء کنند، بر لزوم حفظ سرزمین‌های اشغالی اصرار دارند و به زبان سیاست "دلیل" می‌آورند: تا امنیت اسرائیل در محاصره‌ی دشمنانی که چشم به زوال موجودیت آن دوخته‌اند بنحو اطمینان بخشی تا میسر نشود، رها کردن حتی بخشی از سرزمین‌های اشغالی که در جنگ ۶ روزه "ماه ۱۹۷۶" بتصرف اسرائیل درآمده "گذشتی" در حکم خودکشی است.

گفتنی است در نتیجه‌ی این جنگ سرزمین‌های "مجموعه" به مساحت سه برابر خاک اصلی اسرائیل "شبه جزیره‌ی سینا - نوار غزه" - ساحل غربی رود اردن - بلندیهای جولان" به تصرف ارتش اسرائیل درآمد. که بموجب قرارداد کمپ دیوید "۱۹۷۸" دولت اسرائیل بر با زگرداندن شبه جزیره سینا به مصر و مذاکره درباره‌ی حق خودمختاری فلسطینیان ساکن ساحل غربی رود اردن و غزه متعهد شد، که در زمینه اخیر تا کنون مطلقاً "کاری از پیش نرفته است.

اجمالاً جناح دست راستی و افراطی متکی به "مژده‌ی قدیم" به حل مسئله‌ی فلسطین از طریق تخلیه‌ی سرزمین‌های

سرانجام فلسطینی‌ها را به تسلیم و رضا خواهد کشید تنها به آتش زیرخاکستر دامن زده است.

با ماء موریت عجولانه شولت ز به خاور میانه و ارائه طرحی - اگرچه جزئیات آن همچنان پوشیده است - این قضاوت زمینه پیدا کرده و اوشینگتن علی رغم نفوذ گسترده‌ی یهودیان در چرخ دنده‌ی اقتصاد و سیاست آمریکا، از این پس نمی‌تواند به تلقین افراطیون اسرائیل نسبت به مسئله‌ی در این پایه از اهمیت بی‌اعتنا بماند و آن را بدست حوادث بسیار رد و بگذرد.

در اروپا نیز گرایش مشابهی ظاهر شد. رای سنتین جامعه‌ی اقتصادی اروپا مبنی بر محکومیت روش‌های خشونت‌آمیز و چندش‌آور اسرائیل در سرکوب مردمی که از بی‌سامانی و بلاتکلیفی در شرایط اشغال و زندگی و حقوق کاملاً ناساوی به جان آمده‌اند انعکاس دیگری از این واقعیت بود که اسرائیل با همسایه‌ی مکانات تبلیغی خود در غرب، عرصه‌ی دست کم در قلمرو افکار عمومی جهان باخته است.

سفر شتا با آمیز "اسحق شمیر" به واشینگتن و عمدتاً "به قصد خنثی کردن طرح شولتز" که ظاهراً "چندان هم شریخش

این مردم کوچک و با زار، از کودکی ده ساله تا زنان و مردان ۷۰ ساله اندک در میدان هستند، بی آن که چشمی به عنایت شرق یا غرب و یا حتی به کیسه هواخواهان خود دوخته باشند. قدرتشان غیرت و سلاحشان چوب و سنگ و کلوخ است که از سرزمین خود آنها است و بی‌خبر هم نیستند که با ارتشی دست بگیرد تا آنکه به حق نیرومندترین قدرت رزمی منطقه شناخته شده و در تجربه نیز برتری کارآئی خود را بر مجموعه ارتش‌های همسایه اثبات کرده است.

در یکسو قریب صدگشته، صدها فلیج و ناقص‌العضو و هزاران مجروح و در سویی دیگر زندان‌های لبریز از نوجوانان و جوانان دست و پا شکسته و خرد شده، نه تنها به کشتن آتش کمکی نکرده، بلکه لحظه به لحظه بر لهیب و دامنه‌ی آن افزوده است.

۲ - مبارزان فلسطینی با بیساری و هوشیاری تحسین انگیزی بر هر بهانه و فرصتی که قیام را به ابزار بهره‌جوئی دیگران مبدل کند، راه بسته‌اند.

عامل خمینی فراوان تقلا کردند تا شعارهای نشان دار خود را به نحوی در صفوف قیام کنندگان جا بیندازند، و این حرکت اصیل و مردمی را زیر انگ "اسلامی" خود از مسیر سالمی که انتخاب کرده است منحرف کنند و لی کا "ملا" پیدا است که طرفی از ترندهای خود نبسته‌اند.

مطبوعات رژیم آیت الله، با نشر اولین خبرهای قیام، "بخشنا مه‌های" یکده ست را با حروف درشت در صفحات اول خود ردیف کردند، را دیو - تلویزیون دولتی، رجزهای همیشگی را سردادند و از این قماش: "جوانان مسلمان غزه همه جا تمثال اما خمینی را بدوش می‌کشند -

"فریاد خمینی خمینی زمین را در زیر پای سربازان صهیونیستی می‌لرزاند" - "انقلاب اسلامی فلسطین سازشکاران و خائنین را طرد می‌کند" ... و لی واقعیت خیلی زود و پیش از آن که "میلغان اسلامی" بتوانند بساط خود را جور کنند، ظاهر شد. رهبران قیام در همان اولین قدم‌ها، معدود مزدوران حزب اللهی را رد گرفتند و از صفوف خود را ندانند.

بر آن‌ها مسلم بود که نفوذ شعاع‌های "وارداتی" به خصوص آنچه از دربار "فقیه" می‌رسد، از هر جهت بسط و اسرائیل تمام خواهد شد، و به شبکه‌ی تبلیغاتی نیرومند و جهانی اسرائیل بهانه‌ای پراش خواهد داد تا جنبشی را که از متن تقاضای مردم جوشیده است زیر عنوان شاخه‌ای از تروریسم مادرانی آیت الله بی اعتبار و "ملا" دامن قیام را در کنار ترمای ویری انبوه از ردالت‌ها و آدم‌کشی‌ها و آدم‌زدی‌ها لکه‌دار کند. کاملاً محسوس بود که اسرائیل نیز به ندرت چنین انتسابی بی‌میل نیست زیرا بقیقین داشت که آلودگی قیام به رگه‌های از حضور "خمینی‌گری"، بر افکار عمومی در جهان و مخصوصاً آمریکا اثر خواهد گذاشت. درک این نکته‌ی ظریف، رهبران جنبش را بر آن

بقیه از صفحه ۱

### پیام دکتر شاپور بختیار

#### بمناسبت نوروز ۱۳۶۷

که با ابراز انزجار خود از جنگ، می‌توانید به کوشش‌های صلح طلبانه، نیروی اخافی مؤثری بدهید. بگوئید و هر وقت توانستید، فریاد کنید که ما نمی‌خواهیم شهید بشویم. سعادت شهادت به شما و اعوان و انصارتان ارزانی! ما می‌خواهیم زنده بمانیم - می‌خواهیم همه جبهه‌ها مان زنده بمانند و در آغوش محبت ما بزرگ شوند. می‌خواهیم با هم، این بهار روپهاران دیگر را، تا وقتی طبیعت مقرر داشته است، ببینیم.

این را بدانید که حکومت آخوندها، در برابر اراده، یکبارجه و ابراز شده شما، راهی جز تسلیم نخواهد داشت و اطمینان داشته باشید که با این جنگ، سر آغاز زوال حکومت آخوند طلبیده، نوروزهای خوشبخت شما خواهد بود.

"مردم ایران که ظالم‌ها دندند، به این موشک‌ها می‌خندند، چون شهادت با شوق و تفنگ و موشک برایشان تافتی نمی‌کند". در برابر این دروغ و قیحا نیبیه سکوت نکنید. دنیا با دیدن آنکه شما طلب شهادت نیستید، که این شمانیتید که جنگ می‌خواهید و شما را حقا نه، جنگ تا بیروزی را، مزدوران تعلیم دیده، رژیم، در دهن معدودی افشاد نباید زمند بی شمیرو همه جا حاضر، می‌گذارند.

امروز ما معین المللی، در حدود توانائی خود، برای پایان دادن به این جنگ بر مصیبت، می‌کوشد، ولی در برابر سماعت آخوندهای سفاک، که پایان جنگ را معادفا با زوال قدرت خود می‌بینند، کاری از پیش نمی‌برد. این شما هستید

بقیه از صفحه ۲

## تجربه فلسطین

افسانه نیست که با "استدلالات افسانه‌ای" زیر پا گذاشته شود و نیز با این فکر درجا معنی بین المللی ریشه می‌گیرند که مخالفت با تشکیل یک کنفرانس جهانی که از سوی اسرائیل و خاصه جناح‌های افراطی آن سرخستی دنبال میشود... و یا نادیده گرفتن سازمان آزادیبخش فلسطین که خواهنا خواه اکثریت هنگفتی از مردم فلسطین را با خود درآورد و از رسمیت بین المللی نیز برخوردار است... نه فقط معضلی را حل نکرده بلکه دائماً مشکل روی مشکل نشانداده است.

در این میان نقش حوادث اخیر در طرح مجدد مسئله فلسطین و این بار همراه با نشانه‌های از یک توجه جدی و جان‌دار در سطح جهان - به زرمندگان کوچک و بزرگ در سرزمین‌های اشغالی حق میدهد که خود را کاشف کلید معمای فلسطین بخوانند و به سهم خود بر این تجربه قدیم مضامین بگذارند که سرتوفیق در تمام مبارزات ملی: "از خود ما به گذاشتن و بر مرکب خود را نندن و سرانجام مقابله رودر رویا حریف است" باید پذیرفت که معضل ایران "اشغال شده" نیز تنها در این راه‌گشودنی است.

نقش کوشش‌های بیرون مرزی، بخصوص در مسیر بیداری بین المللی و انعکاس تقاضای مردمی که در فضای اختناق از ابراز طلب خود محرومند، انکارنا پذیر است ولی تجربه فلسطین یکبار دیگر بر این پیام مهرتائید می‌کوبد که سرانجام صلابت از قلب ایران باید تا مشکل گشائی کند.

فهم این مسئله به درک ضرورت سازمان‌دهی درون مرزی می‌انجامد که میلیون ایران هر کجا که باشند در آن سهمی دارند.

"فیلم‌ها، رمان‌ها، تصویرها و نقل‌های موشورجاندار" زنده نگاه داشته اند، یکسره خنثی کند.

می‌بینند و می‌شنوند که زرمزمزمه‌های مقایسه میان اسرائیل و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بی‌زمینه نیست. درک می‌کنند که حوادث خونبار در سرزمین‌های اشغالی برده از تملیلات نژادی دست راستی‌ها بر میدارد و خواهنا خواه آثار آن تمام ملت یهود را در بر می‌گیرد.

تظاهرات عظیم اورشلیم به تقبیح شیوه‌های ضد انسانی ارتش و پلیس سرکوبگر اسرائیل در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن و اختلاف نظر در سازمان‌های یهودیان آمریکا و تمایل آشکار به راه‌های آن‌ها به یک راهیابی "منصفانه" از جمله شواهدی است که از رویش واقع بینی در جهان و حتی در جوامع یهود و در همان حال از قوت این نظر حمایت می‌کنند که حق مردم فلسطین به داشتن "وطن" و زندگی در سرزمین‌های آباء و جدادی،

**زادگاه ایران است‌های بختی**

**برنامه اول**  
 ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کورتسبانه ردیف‌های ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۵۸۵ تا ۱۵۱۲ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۲۰ کیلوهرتز).

**برنامه دوم**  
 ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کورتسبانه ردیف‌های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۳۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۴۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کورتسبانه ردیف‌های ۲۱ متر (فرکانس ۱۴۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

بقیه از صفحه ۱

## راه بی پایان

کسانی که برای دوران سازندگی ساخته شده اند و در این دوره می‌توانند استعداد و کفایت خود را نشان دهند، قدرت را از دست ما خواهند گرفت و عناصری که فقط در شرایط غیرعادی می‌توانستند ندیدون هیچ قید و شرطی به عالی ترین مقامات و مناصب دست پیدا کنند از صحنه حذف خواهند شدند. این گروه، بر حفظ شعارهای انقلاب، نگهداشتن روحیه انقلابی در جامعه، جلوگیری از عادی شدن محیط، صدور انقلاب از یک سو و ایجاد حرکت‌های تازه انقلابی با انقلاب در انقلاب تاکید می‌ورزند.

به اقتضای فطرت بشری که متمایل به آرامش و آسایش است در نهایت امر ما به سروری برای تندروها وجود ندارد و بهر تقدیر، جامعه روزی حالت عادی خود را بازمی‌یابد ولی تا زمانی که جنگ‌های داخلی و خارجی و بحران اقتصادی و سیاسی وجود داشته باشد گروه اخیر می‌توانند وضع را بسفیع خود حفظ کنند.

بدهمین دلیل است که گروه تندروها در داخل رژیم آیت‌الله به هر تلاشی دست می‌زنند تا جنگ ایران و عراق، بحران خلیج فارس، بحران روابط سیاسی بین ایران و کشورهای غربی و همچنین اختلافات ایران با کشورهای میانساده عرب‌ها را ایجاد کنند.

در سال ۱۳۶۶ این تلافی از طرف گروه تندروها دنبال نمودن برای به بار آوردن که راه‌های آن‌ها در دورسنا م‌گذائی به حجاج و ایجاد قائله خونین مکه، برانگیختن آیت‌الله خمینی به مقابله با طرفداران فقه سنتی و بالاخره مانع تراسی در راه تلافی‌های دیپلماتیک برای متارکه جنگ و تحیزسنا به اندازان منظور اقدام به حملات زمینی و در نتیجه تشدید جنگ و عقیم ماندن ابتکارات سیاسی بود.

این سیاست می‌تواند قسمتی از مشکلات حکومت را موقتا جاره کند، بدین است در تراسی که با ران بمب و موشک بسر شهرها مرمومی نارود جبهه‌ها را احساد جوانان یوسیده است و مردم خانه‌های خود را می‌کنند و برای نجات جان‌شان به گوه و محراب می‌گریزند دیگر کسی از کمبودهای غذایی و داروئی و کرانسی و بیکاری و دیوارهای وضع مسکن سخن نمی‌گوید ولی برای طی کردن این مرحله، حکومت تا کبراست به نیروهای بی‌روی آورد که بی‌افروستن طوفان، بصورت مدعی بزرگی در محنت‌هایی خواهد آمدند و کسانسی که امروز این نیردا استفاده می‌کنند معلوم نیست فردا بتوانند آن را مهار کنند یا از شهیدان در امان باشند.

هیاهوی تبلیغاتی رژیم دیگر هیچ‌سجانی در هیچ‌س بر نمی‌انگیزد. مردم از خودشان می‌پرسند تا کی... تا چند... بجه قیمت این جنگ لعنتی باید ادا م‌بندند کند و اصولاً هدف آن چیست؟

در داخل رژیم نیز، همین سئوال‌ها برای بسیاری از کسانی که مقامات سیاسی و اداری و نظامی را غلبه مطرح است.

در برابر معدودی از گردانندگان رژیم که بمنظور جلب اعتماد خمینی و نگهداشتن مقام و منصب یا خاطر حفظ منافع مائسی خود بر ادا م‌جنگ تا کید می‌ورزند بسیاری از دست‌اندرکاران با تکرانی بسیار به عاقبت این بازی شوم می‌اندیشند.

آنها می‌دانند که جنگ ایران و عراق راه حل نظامی ندارد و سیاست خمینی و رفتن‌هایی که تمام م‌مکانات مائسی و اقتصادی و نیروی انسانی کشور را در خدمت جنگ قرار داده اند، تنها نتیجه‌اش افزایش تلفات و خسارات و ناسودی شهرها و تاسیسات اقتصادی و مناسبع تواند کشور و در نتیجه فطعی و بیکاری و مصیبت هر چه بیشتر خواهد بود. به طوری که با پایان گرفتن جنگ، اگر تراسی از زندگی باقی مانده باشد، سال‌های سال طول خواهد کشید تا مردم از زیر بار رخدات وارده قدر است کنند و زندگی را بر روی ویرانه‌های جنگ از نو بسازند.

هر چند که این گروه از دست‌اندرکاران رژیم چراغ‌ها را بر مخالفان سیاسی‌های جنگ طلبانه خمینی را ندارند ولی استظراب‌بندی آن‌ها یکی از عواملی است که اختلافات داخل حکومت را تشدید می‌کند.

این اختلافات در سال ۱۳۶۶ بین ارتش و کتک‌رسد، به طوری که آیت‌الله خمینی سرانجام خود را ناگزیر دید که از جاکه "داوری خرف" بر خیزد و علناً "از گروه تندروها جان‌سنداری کند.

کشمکش‌های داخل رژیم از یک اختلاف نظر اساسی ریشه می‌گیرند که در تمام انقلابات و رویدادهای سبه انقلابی جهان، خواهنا خواه، رخ نموده و موجب صفر آرائسی و درگیری و نزاع و جدال هم‌زمان بین شده است.

مسأله اینست که بعد از زهر انقلاب وقتی حکومت جدید روی کار می‌آید و طرز فکر در بین حکومتگران پیدا می‌شود، یک دسته می‌گویند ما جنگی را آغاز کردیم و در آن فاتح شدیم و اکنون باید جنگ را تمام نموده بدانیم و به مسائل دوران صلح بیندیشیم. یعنی در فکر عادی سازی محیط، با زکردن ندن روحیه اعتماد و همکاری در جامعه و ایجاد دنیات و امنیت و بطور کلی برداختن به مسائل داخلی با نسیم نسنا بدین ترتیب با به‌های حکومتان بسر محکم‌شود.

در مقابل، دسته دیگری می‌گویند اگر ما از شعارهای انقلابی دست بکشیم و به عادی ساختن اوضاع بپردازیم خواهنا خواه



بقیه از صفحه ۱

دلیل این جنگ طلبی، در حالی که ایران برخلاف سال های گذشته برای اولین بار دست به حمله وسیع زمینی زمستانی نزده بود چیست؟ زیرا عراق به سختی قادر به تحمل جنگ فرسایشی و ضربه های خونین امواج تعصب زده با سداران است.

نیروهای صدام حسین به لطف قدرت توپخانه خود و برتری نیروی هوایی، همواره موفق شده اند هجوم "مستضعفین" را با درو کردن ده ها هزار تن از آنان در دروازه های بصره یا در نزدیکی جاده های که این بندر بزرگ را به بغداد وصل می کند متوقف کنند.

اما عراق به آهستگی، توان خود را از دست می دهد. این کشور در مقابل ۴۵ میلیون جمعیت ایران بیش از ۱۵/۵ میلیون نفر جمعیت ندارد و با ایده همواره بطور کامل نیروهای خود را در مقابل دشمنی که اندکی در حالت دفاعی قرار دارد اما همواره خطرناک است آماده نگاه دارد. ارتش ایران در بخش میانی جبهه، روبروی بغداد مستقر است. با سداران انقلاب که بطور استوار در

# موشک در برابر موشک

مهندسان عراقی موفق شده اند موشک های اسکاد را که سیصد کیلومتر برد را دارند " دستکاری " کنند. که این خود قسا بیل ملاحظه است. آن ها برد این موشک ها را از طریق کاهش مواد منفجره آن از ۵۰۰ کیلو به زیر ۲۰۰ کیلو افزایش داده اند. تنها مشکل، تنظیم مرکز ثقل موشک ها پس از تغییر وزن آن ها بود.

موشک های " اسکاد " برای اولین بار توسط شوروی در سال ۱۹۶۵ عرضه شد. سوخت این موشک ها " پروپانگول " مایع است و آتش کردن هریک از آن ها بیش از ۶ ساعت بطول می انجامد. بکارگیری این موشک ها در صحنه اروپا بخاطر کم بودن دقت هدف گیری آن ها به کلی مردود است. اما این موشک ها در حال مسی توانند " غول شهر "ی چون تهران را در فاصله حدود ۶۰۰ کیلومتری هدف قرار دهند و با وجود باران نجاتی که در

شبه جزیره فاو مستقرند، همچنان بصره را تهدید می کنند. تحمل این فشار دائمی برای عراق دشوار است. بخصوص که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت که در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ به تصویب رسید، اجرا نشده باقی مانده است. این قطعنامه خواهان برقراری فوری آتش بس و عقب نشینی بی درنگ نیروهای دوطرف به پشت مرزهای بین المللی است.

فرود موشک های عراقی بر تهران بیش از آنچه به منظور مرعوب کردن ایران باشد، درخواست کمکی است از سازمان ملل. موشک های عراقی " حسین " نام گرفته اند که نام سومین امام شیعیان است. مسئولان صنایع اسلحه سازی در بغداد که خود را " وارث تمدن سومریان، گلکانیان، بابلیان و آشوریان " معرفی میکنند، می گویند که این موشک ها را خود آسان ساخته اند. این البته اغراق است.

خبنا بان ها را مضحک و غم انگیز کرده است. آقای اردبیلی در نماز جمعه سه هفته پیش گفت که ما به بی خانمان های این جنگ نه تنها خانه که وسایل منزل با کلیه ما محتاجی را که مورد نیاز است خواهیم داد و این هم یک دروغ از جمله دروغ های دیگر آن ها است. دولت بقدر کافی سینه ندارد. کارخانها سینه فروبین با سه نسیف کارچا بکوی این همه نیاز نیست. و تا زود وقتی از طرف ستا در سیدکلی به ما موشک زدگان به محله ای که در آنجا اما بت موشک تقریبا " منهدم شده بود " دیگر سینه ای به هیچ دروینجره ای نمانده بود رفتند زانما خانه ها یول شیشه را به قیمت دولتی دریا فک کردند. فرا موش کردم که بگویم تعداد کشته شدگان ناشی از کشتن سینه بیشتر از خود موشک به خانه موشک خورده بوده است و جز آن دسته از مردم که مکان مالی بهتری دارند که نتوانسته اند زهر بگریزند بقیه نسته اند و با دلهره لحظه مرگ خود را انتظار می کشند و چندین خانمی گفتند که می ترسند به حما میروند که مبادا جنازه آن ها را لخت از زیر آوار در بیاورند. به اعتقاد من تمامی این دردها تجسم می خواندند تا شدت فاجعه را نمایان کند. در سربل تحریش که همیشه شب های قبیل از عید سورخا ل دیگری به چشم میخورد با فروشنده ماهی های قرمز صحبت می کردم و ایشان گفتند از روز ۲۰ اسفند تا ۲۷ اسفند که روز صحبت من بود تنها ۱۴۰ ماهی فروخته در حالی که سال های پیش روزانه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ ماهی به فروش میرسید. و این نشان دهنده این بود که به از سال تا چاه اندازی مصرف افتاده. نه تنها مردم بخاطر عزای عزیزان سینه میخوردند و عید ندارند بلکه چقدر شهر خلوت است و کسی جرئت از خانه بیرون آمدن را ندارد. هموطنان، این واقعیت تلخ چهره شهر تهران است. واقعیت دردناک میهن عزیزمان ایران است. دستتان را می بوسم اگر یک صدا فریاد بردارید که ما جنگ نمی خواهیم. اگر بگذارد کسر قدرت ها دست از سرمان بردارند، اگر لاشه این دیو خون آتام را به کور بفرستیم، این سینه مالا مال درد را دوباره درمان خواهیم کرد. دوباره وطن دا خواهیم شد. دوباره ایران را از ویرانی نجات خواهیم داد. ایمن را تاریخ ما به ما میگوید. نگذارید آن ها که تصمیم به نابود کردن نام ایران از روی صفحه جغرافیا گرفته اند موفق شوند. نسل های آینده ما را نخواهند بخشید.

(.....)  
فرا موشی نکنیم که کفر فیرا دا عترای برندا ریم. وطنی نخواهد بود که زبیر سا بهان بیبا سا نیم و یگوئیم ایران هرکز نخواهد مرد.

# موشک باران تهران

بای کور تحویل کسان نشان بچی دهند. بغض راه گلیوی ملت را بسته و همه کس با لب خا موی سخن می گوید. که دیگر جنگ بی است. مردم خسته اند و نتیجه این جنگ را بیپرده می دانند. و این را میدانند که آدا به جنگ یعنی دوام خمینی که این عامل قدرت های جبر و است تمام شده عزرا شیل در سرزمین ما است که هر لحظه هزاران هزاران فرزندان مادر وطن را می گیرد. مردم از ترس کوله ها و دوزخیمان خمینی جرئت نفس کشیدن ندارند. و چون دروغ ها و وریا کاری هایشان برای ملت و بخصوص جوانان بی رنگ شده میخوابند با سرود عزیزم ملی ای ایران ای مرز پرکشور وطن برستی در ملت بیدار رکنند و ناگهان این نیرنگ از جسم ما پوشیده ما ندوچا که این ملت فرا موش کند که سیاه کاری و سیاه دلی این قوم خون آتام چه بر سر فرد فرما آورده است رادیوهای خمینی تعداد کشته شدگان را به دروغ اعلام می کنند. اگر هر کدام از شما چهره آن محله ای که موشک ویرانی کرده می دیدید به راحتی می توانستید موشک موشی و دلخراش حداقل ۲۰۰ نفر از عزیزان این آب و خاک را تخمین بزنید. آن وقت رادیوی خمینی می گوید ۵۰ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی در حالی که فقط در وجود سینه تهران سید کشته هم بیشتر بجای ماندند. میدان فوزه هم چهره ای بهتر از وجود سینه ندانست. و این دروغ ها جز آن که داغ دل مردم را بیشتر و بیشتر کند نتیجه دیگری ندارد. آقای رفسنجانی در کمال و ناحت خاص خودش در نماز جمعه گفت ما بیادند الهی داریم. و میبوموشک به ما کار زگر نمی افتد. چرا که بیگان این کسروه از ما بهتران درینا هکا هیای اسی از پیش فراهم شده در ما نند. بنا بر این آن ها هستند که سدا فند تروت ملت ایران در اما نشان میدارد. تنها بلوک های سما می را که برای متروشی که معلوم نیست چند سال دیگر برآه خواهد افتاد در خیابان ها گذارده اند که لحظه اعلام آژیر بریزان ها برآوردند و چه جای درد که زدل مردم خون می بارد و می دانند که موشک احتیاج به آژیر ندارد و تازه وقتی آژیر کشیده می شود که موشک بر سر ما فرود آمده است. خطر موشک های شیمیایی هم که جای خود را در وقت خود را در دل ها ایجاد می کند. دیگر از منظره غم انگیز شهر چه بگویم که بجای سینه به دروینجره ها از نا بیلون گرفته تا جاد نما زو کونی تا هر طمله یا راه ای تمامی

خامی از هموطنان ما. که سا بر او اخیر ایران آرد. بعد از نوروز، از ایران بد با رسی آمده. نامه ای برای درج در قیام ایران برای ما فرستاده و در آن نامه ای از وضع تهران زیر موشک ها را شرح داده است. ما قسمی از این نامه را بدون هیچ دخل و تصرفی، در زسرمی آوریم و نقاشی نویسنده را که به ملاحظه مراجع سداران، خواسته است امضای محفوظ بنام محترم میداریم.

با درود به هم میهنانی که در این غربت بی وقتی روزگاری گذرانند و زسرمی دلشنگی بعنوان یکی از آخرین مسافران قیام از ایران و از جنگ خمینی موشکها کور بختام با شما درد دلی دارم. سمن دوباره بر می گردم به آن خاک عزیز که از ستم ای بر قدرت های جبر و است سینه وطن را با موشک ها و بمب های بی امانشان بار بار ره کرده اند. و از این فرست استغاده کردم تا بر اینان بنوعی که هم بداند و هم گرمیتوا نید فرستاد بر دارید تا بد که کوش چنان این عدا د ادخواهی ما را استونند. عزیزان چهره تهران و دیگر شهرهای ایران را غبار مرگ گرفته است. چشم همه خونبار است. وسعت مصیبت آنچنان بزرگ است که واژه در مقابل رنگ می بارد ما من مفهومی برایش پیدا نمی کنم. همانقدر میدانم که با صدای انفجار موشکی ملت همه می- کوریند و مرگ خویش را به انتظار نشسته اند. همه چشمها مبدل به تپله های غنسیار گرفته. بی سوری شده اند که نور هستی از آن ها رفته. در خطوط چهره مردم تار درد سبار مرگ انداخته است. هر موشکی که بر زمین می خورد جان عزیزان ما است که صدای غرش کتان در فضا می بیجد و به آسان می رود. شیرتقریبا " حالست بعد از ظهرهای تا سوعا را دارد که همه روز قتل را به انتظار نشسته اند. با زار تهران نیمه تعطیل است کسب و کاری رونق نده. ما در آن از نند ترس، کودگان مرده به دنیا می آورند. ( این آمار چها روزه از یک زايشگاه تهران است که از هشت ماهه درینج بجه مرده بدینا آمده ) و چسه ما در آنی که جنازه فرزندان خویش را تا پای کور بدرقه می کنند. بدرقه که سسه چون جنازه کشته شدگان این مصیبت را تا

یافته، خساراتی به بار آوردند. ایرانی ها بغداد را با " اسکاد " ها تها کهاز لیبی خریدند و هدف قرار می دهند، اما موشک های تمام عیار با دقت هدف گیری بیشتر شلیک می کنند، زیرا محل پرتاب موشک های آنان با بغداد تنها ۱۵۰ کیلومتر فاصله دارد. ایرانی ها بخاطر صرفه جویی، کمترین زحمت را در موشک شلیک می کنند، اما موشک های آن ها بخاطر باران نجاتی که در بیشتر موارد می کنند. حاصل، مسابقه ای مرگبار با نتیجه مساوی است. شورای امنیت در مقابل این دوره جدید جنگ شهرها همچنان که در مقابل ادا م حمله علیه نفت کش ها عاجز مانده است. آیت الله ها می گویند تا " متجا و معرفی و تنبیه نشود " یعنی صدام حسین سقوط نکند آتش بس را نخواهند پذیرفت. شوروی که توانسته بود ضمن حفظ روابط حسنه، خود با عراق، کمی هم به ایران نزدیک شود، اکنون در دام ماکیا و لیسم خود افتاده است. سفارتخانه آن ها در تهران و کنسولگری آن ها در اصفهان مورد هجوم نظامی هر کشته گانی قرار گرفت که تکه های موشک های ساخت شوروی را در دست داشتند. مسکو سعی کرد با درخواست تشکیل فوری اجلاس شورای امنیت تا حدی خرابی ها را جبران کند. قصد عراق برای جلوگیری از " عادی شدن " جنگ و تلاش برای بالا بردن روحیه ملتی خسته کما ملا " قابل درک است. اما در عین حال خطر آن را در رده هم جناح جنگ طلب را در تهران تقویت کند و هم شکاف های واقعی میان طرفداران خمینی را با مجبور کردن آن ها به فشرده ساختن صفوف شان بپنهان سازد، همچنین خطر بی چون و چرای بالا گرفتن آتش جنگ را در بر دارد. عراق یک مرکز تازه تحقیقات شیمیایی در سلیمان پاک ( طاق کسری ) ساخته است که گاز خردل، ساریسن و تالیون تولید می کند. این کشور که تا بحال از این نوع سلاحها در مناسط با تلاقی استفاده کرده است ممکن است به فکر بیفتد که آن ها را در جنگ شهرها نیز بکار برد. مقامات قضایی هلند اخیرا یک کشتی باری ایرانی را در بندر روتردام توقیف کردند که حاوی ۸ کانتینر مملو از مواد سمی خریداری شده از آمریکا بود. سوریه نیز با خرید گازهای کسود شیمیایی که به سادگی قابل تبدیل به گازهای سمی است، سلاح های شیمیایی هستند، در این زمینه ناتوان نیست. در خاور میانه همچون خاور نزدیک، حمله ای غافلگیر کننده به شهرهای بزرگ با اسکا دهای مجهز به کلاهک های شیمیایی امکان پذیر شده است و اسرائیل نیز آن را میدانند.

اکسپرس - ۱۱ تا ۱۷ مارس ۱۹۸۸









سه‌شنبه ۲۵ اسفند

به رغم اعلام آتش بس در بمباران شهرها که از ساعت ۱۶/۳۰ بعد از ظهر جمعه آغاز شد، بمباران هوای تهران ادامه داشت. در جریان این عملیات، طفر ۷ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شدند. در جریان عملیات، طفر ۷ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شدند. در جریان عملیات، طفر ۷ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شدند.

چهارشنبه ۲۶ اسفند

عراق اعلام کرد ۷ موشک به تهران شلیک کرده است. جمهوری اسلامی نیز از زیرتاج موشک به بغداد دگزارش داد. شورای امنیت سازمان ملل طی بیانه‌ای با عبارات بسیار قاطع از جمهوری اسلامی و عراق خواست به جنگ بویژه بمباران شهرها خاتمه دهند.

شنبه ۲۹ اسفند

با شلیک دوموشک دیگر عراقی به تهران، تعداد موشک‌های عراقی که به ایران شلیک شده است به صد فروند رسید. جمهوری اسلامی اعلام کرده‌ها پیما‌های عراقی ظرف ۳ روز گذشته شهر حلبچه و چند روستا را در اطراف آن با سلاح‌های شیمیایی بمباران کردند.

سحرگاه ۱۰ فروردین نشتکش نیروی دریایی فارس مورد حمله قایق‌های جمهوری اسلامی قرار گرفت. و حداقل ۲ تن از سرنشینان آن کشته شدند، دوبروز نیز یک نفتکش لیبیایی و یک کشتی با ۱۰۰ تن اسبانی هدف حمله جمهوری اسلامی قرار گرفتند. جمهوری اسلامی از دبیرکل سازمان ملل خواست هیئتی برای تحقیق پیرامون کار بردسلاح‌های شیمیایی در کردستان از سوی عراق به منطقه اعزام دارند. به گفته جمهوری اسلامی در بمباران شیمیایی در حلبچه و اطراف آن ۵ هزار تن کشته و ۵ هزار تن مجروح شدند و بیش از ۲۰ هزار کرد عراقی به ایران پناهنده شدند.

عبیدزاکانی

یک منتقد اجتماعی زیر دست

برپای منبر و اعظان بی وضو... مدهید، علمای سلف جایز نمانده‌اند. با شیخان و نومالان و فالگیران و مرده‌شویان و کنگره زنان و شطرنج بازان و دولتی‌خوردگان و با زماندگان خاندان‌های قدیم و دیگر فلک‌زدگان صحبت مدارید. از تزویر قاضیان و شش‌قلمه، مولان و عربده‌کنندگان و حریفی آنانی که روزگاری... با شند و امروز دعوی زبردستی و پهلوانی و قتالی کنند و از زبان شاعران و مکرزنان و چشم‌حاسدان و کینه‌خویشان ایمن مپاشید.

بیت: گریستن را بدی بجهان در فیلتی

بیت: گریستن را بدی بجهان در فیلتی / اهل بهشت راهم دادی خدای ریش / رساله دلگشا / از بهترین و زیبا ترین آثار عبید رساله دلگشای وست. این رساله مجموعه است از حکایات و نوا در لطیفی دلکش که قسمتی از آن به عربی و شصت بزرگ تریه فارسی است. حکایات که در این مجموعه گرد آمده بعدی جالب و زیبای است که اکثر آن‌ها از زبان ندره‌ها، فارسی، زبان‌های و ملت‌های دیگر است که نفوذ فکری و ادبی ایران را پذیرفته‌اند. بسیاری از این حکایات به لطیفه‌گویی ما نند ملانصرالدین و مثال او نسبت داده شده است. این حال حکایات معروف از زبان عبیدبا زلفی تازه دارد زیرا فصاحت بیان و شیوایی عبارات و خودزیبایی تا زهای به حکایت می‌بخشد که در روایات دیگر نمی‌توان یافت. از اسرار فصاحت عبید در این رساله بیکی اجازت. هر حکایتی این جا به کمترین عباراتی که مفید معنی است مقصود با شیبیان شده است: - عمران نامی را در قم می‌زدند. یکی گفت چون عمر نیست چراش می‌زندی؟ گفتند عمرست و الف و نون عثمان هم دارد. - قزوینی با سبری بزرگ به جنگ ملا حده رفته بود. از قلعه سنگی بر سرش زدن و بشکستند. برنجید و گفت: ای سر درک! کوری، سبری بدین بزرگی نمی‌بینی سنگ بر سر من می‌زنی؟ - قزوینی را پسر در چاه افتاد. گفت جان با با جانی مرو تا من بروم رسن بیارم و ترا بیرون کشم. امروز که ششمسال از تاریخ نوشتن این رساله می‌گذرد نیز نشی به این روانی و فصاحت و شیرینی که در خور فهم هر فارسی‌زبانی باشد در آثار رجا صراحت به آن نمی‌توان یافت. از حکایات این رساله علاوه بر همه این مزایا یافته‌ها دیگری حاصل می‌توان کرد و آن اینست که عبیدگروهی از رجال و بزرگان زمان خود را از طبقات مختلف در این جا نام می‌برد و لطیفی از ایشان نقل می‌کند و به این سبب می‌توان از اخلاق و آداب آن زمان اطلاعات دقیقی از زوری مطالب این رساله بدست آورد که در جای دیگر یافت نمی‌شود. در این رساله نیز عبیدزاکانی حریفان خود را که خطیب و فقیه و قاضی و شیخ و واعظ باشند را موش‌نک-مرد و نه‌نیش‌های دلخراش به‌ایشان می‌زند. از میان مسردم ولایت ایران بیشتر قزوینی و سی‌خراسانی را نمونه بلاهت قرار داده و حکایاتی را که از آنانی و حماقت اشخاص نقل می‌کند اغلب به‌ایشان نسبت می‌دهد. نمونه‌ها نرساده و موجودی تکلف است و هنوز بهترین سرمشق نویسندگان می‌تواند نبود. ازین رو نقل چند حکایت در اینجا بسیار سودمند بنظر میرسد: - خطیبی را گفتند مسلمانان چیست؟ گفت من مسردی خطیبم مرا با مسلمانان چکار؟ - عسکری شهری را به قزوینی دادند. نماز دیگرخواج‌های را بگرفت که من عسقم و ترا به زندان با یدم بردن. گفت عس بر روز کسی را نگیرد. گفت شب ترا کجا با یم؟ مردم در میان آمدند و او را منع کردند. گفت سهل است اگر کاری داری حالی با تو بسا زیم. اما ضمانتی بده که تا شب پیش من آئی. - طلحک را پرسیدند که دیوتی چه باشد؟ گفت این مسئله را از قاضیان با ید پرسید. - واعظی بر منبری می‌گفت هر گاه بنده‌ای مست می‌رود و مست دقن شود مست سرا زگور بر آورد. خراسانی در بیای منبری بود. گفت بخدا آن شرا بیست که یک ششده آن بصد

دینار می‌ارزد. - شیرازی در مسجد بنگ می‌بخت، خادم مسجد بدور رسید، با او زد و رسافت در آمد. شیرازی در او نگاه کرد؛ شل بود و کل و کور. نعره بکشید گفت ای مردک خدا در حق تو چندان لطف نکرده است که تو در حق خانه او چندین تصعب می‌کنی. - مولانا شرف‌الدین دامغانی بر در مسجد می‌گذشت. خادم مسجدی را در مسجد پیچیده بود و میزد. سگ فریاد میکرد. مولانا در مسجد بنگاد. سگ بدر جست. خادم با مولانا عتاب کرد. مولانا گفت ای پسر معذوران که سگ عقل ندارد، از بی عقلی در مسجد می‌آید. اما که عقل داریم هرگز ما را در مسجد می‌بینی؟ - شیخ شرف‌الدین در کزینی از مولانا عضدالدین پرسید که خدای تعالی شیخان را در قرآن کجا یاد کرده است. گفت پهلوی علما آنجا که میفرماید "قل هل یستوی‌الدین یعلمون و الذین لا یعلمون". - مجادالدین با زنی ما جراتی میکرد. زنی بی‌باک بیست پیرو بود شکل بود گفت: خواهی که خدای چنین نکنند که تومیکنی" پیش از من و تو لیل و نهار بودست "گفت خاتون زحمت خودمده، پیش از من بودست اما پیش از تو نبوده با شد. - لولینی با پسر خود ما جراتی میکرد که هیچ کار نمی‌کنی و عمر در بطلت بسر می‌بری. چندتا تو بگویم که معقل زدن کین موز. سگ از جنب چپا نیدن و رسن با زنی تعلم کین تا از عمر خود بر خوردا، رشوی، اگر از من نمیشوی بخدا ترا در مدرسه اندازم تا آن علم مرده‌ریک ایشان بیاموزی و دانشمندشوی و تا زنده باشی در مذلت و فلاکت و ادبار بمانی و یک جوا زهیج جا حاصل نتوانی کرد. - سلطان محمود در حالت گرسنگی با دنجان بورا نی بیش آوردند. خوش آمد. گفت: با دنجان طعم میسست خوش. ندیمی در مدح با دنجان فطلی پرداخت. چون سیر شد گفت با دنجان سخت مفرج چیزی است. ندیم باز در مضرات با دنجان مبالغتی کرد: سلطان گفت: ای مردک نه این زمان مدحش میگفتی؟ گفت من ندیم توام نه ندیم با دنجان. مرا چیزی با ید گفت که ترا خوش آید نه با دنجان را. - فقیهی جا حظ را گفت که اگر ریگی از ریگی‌های حرم کعبه بدرون کش کسی افتد بخدا همی نالدا تا او را بجای خود برگرداند. گفت بنالدا تا گلویش پاره شود. گفت ریگ را گلویشا شد. گفت پس از کجا نالدا؟

(از جمله سخن - شماره دیماه ۱۳۲۵)





بقیه‌ها صفحه ۱

# اندر بلای سخت...

انسان، به هنگام مرور روزهای دشوار تاریخ ایران، در این اندیشه می‌رفت که مصیبت‌ها و سختی‌ها این اثر را نیز داشت که بر نیروهای راکد مانده در اعماق جان ملت ما نهیبها زدوان هسار را برانگیخت تا خود را به عنوان ارزشی تاریخی نشان دهند، راستی را اگر توفان حوادث هولناک نبود، چگونه ما ملت می‌توانستیم ثابت کنیم این راکت‌تاب فضا را سختی‌ها را داریم؟ رودکی از روی هوسی نبود که گفت:

اندر بلای سخت پدید آرند  
فضل و بزرگمردی و سالاری  
و حافظ از روی حکمتی بود که سرود:

نازپرود تنعم نبرد راه به دوست  
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.  
گلبرگ نازکی که در گمنا نه پرورده شده  
است، طاقت یک لحظه آن با دهسای  
سهمناکی را ندارد که در بیا با ن بر  
شاخه‌های سخت جانی می‌زد که سرخم  
می‌کنند ولی نمی‌شکنند، بر ما ایرانیان  
در طول تاریخ با دهای سهمناکی وزیده  
است، شاید لحظه‌ای سرخم کردیم، ولی  
فقط برای آن که پس از فرونشست  
توفان، سربلند تر در مسیر با دبا یستیم.  
ماندگار بودن و جان از بلاهای سخت در  
بردن را ما ایرانیان مدیون آنیم که

در شش ما آمیزه‌ای از تحمل و طاقت، وفاداری و جسارت که گاه به‌جا نیازی می‌کشد وجود دارد. گوئی هنگامی که می‌باست در کمین نشست و صبر پیشه کرد، دستی به ما اشاره می‌کنند که بنشین، و زمانی که باید برخاست و با به میدان نهاد، دستی دیگر به ما فرمان می‌دهد که برخیز. یک روز با سعدی می‌خوانیم که:

سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است درست  
نتوان ما ندی سختی که من اینجا زادم  
اما روزی دیگر، برای دفاع از شرافت  
و آبروی خود در دهان شیرینی رویم، دوباره  
با سعدی می‌خوانیم:

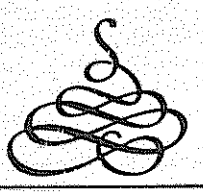
آن نه من باشم که روز جنگ بینی پشت من  
آن منم گردم میان خاک و خون بینی سوری  
این دوگانگی در سخن سعدی از کجاست؟  
چرا یک روز با یدکرکس‌های قدرت راکد از  
بخت بدبیرمیهن مسلط شده اند، به حال  
خود گذارند و روزی دیگر به خاطر همان  
میوه سردمیان خاک و خون انداختند؟  
آیا دوگانگی سخن سعدی از دوگانگی  
موقعیت نیست؟ چرا، چنین است. او یک  
بار به ایرانیان اندر زمی دهد به خاطر  
جاه طلبی‌ها و آزمتندیهای مثنی ابله خود  
را به کشتن ندهند، و بار دیگر، هنگامی که  
پای حیثیت و مانده گاری ایران در میان  
است، برای سرهای کبهه تن می‌ارزند،

جایی بهتر از میان خاک و خون نمی‌بیند.  
ایران در طول تاریخ خود با رها بر خاک  
افتاد، ولی این بر خاک افتادگی موجب  
خواری او نشد، چرا که از هر افتادنی برای  
گرد آوردن نیروی به منظور دوباره  
برخاستن سود برگرفت. و هر بار که دوباره  
از خاک برخاست، گردن فرا زومغور بر سر راه  
خود داد ماه داد.  
ملت ایران را، مانند هر ملت دیگری،  
می‌توان فریب داد، ولی نمی‌توان از آن  
مرکب را هواری ساخت که برای همیشه به  
قدرت مندانی سواری دهد.  
خمینی کیست؟ ملت ایران حتی زیر بار  
نادرها نرفته است. نادر، هنگامی که  
پرچمدار رجستان سرکستگی‌ها و حقاقت‌های  
ناشی از فرار و شکست از برتا را جگران  
افغان بود، در دل ایرانیان جای  
داشت، ولی هنگامی که از باده قدرت  
چندان نوشید که به معنای درست کلمه  
دیوانه شد، از چشم ایرانیان افتاد.  
ایرانی، زما مداران خود را برای ایران  
می‌خواهد، نه ایران را برای آن‌ها.  
ایرانی دریای تحمل است. لیکن به  
خوش هم می‌آید. و مصیبت، دل‌های  
ایرانیان را سخت به هم نزدیک می‌سازد.  
و امروز مصیبت است. با این همه  
ایرانی در مصیبت نیز نما دهای بزرگی  
و پایداری خود را از یاد نمی‌برد. از  
این روست که نوروز، در جنگ خانما نسوز  
نیز نوروز است.  
خودکامی‌های که امروز برایان حکمرواست،  
نی‌دانند که ایرانیان که تنها دیکر را  
دوست ندارند، به او نفرت می‌ورزند.

ولی خودکامی‌ها خواهند ایران را  
دوست داشته باشند، می‌خواهد یکدیگر را  
دوست نداشته باشند. از این  
مناسب‌ترین پاسخی که می‌توان به او  
داد، این است که یکدیگر را بیشتر از  
همیشه، دوست داشته باشیم.

## سیاسکزاری

در ایام نوروزنا معهای بسیاری از  
خوانندگان عزیزمان دریافت داشتیم که  
فرارسیدن نوروز را به نویسندگان قیام  
ایران تبریک گفته اند و ما را در ادامه  
راهی که در پیش گرفتیم تشویق  
کرده‌اند.  
تصدیق می‌فرمائید که با سخ دادن به  
یکایک ما ما را از انجام وظایف  
اطنی ما بازمیدارد. در نتیجه، با  
اعتنا فرصت، مراتب سانس صمیمانه  
کلیه نویسندگان قیام ایران را بحضور  
این دوستان ارحمدرترب، تقدیم  
می‌داریم و آرزوی کنیم که سوره‌های  
فارغ از اندوهی که در این نوروز جان و  
جسمان را آزرده و همجان می‌آزارد،  
داشته باشیم.



## کودتای ۱۹۵۳ در ایران

می‌کنند که این اختلاف را برادران رشیدان ایجاب  
کردند و به آن دامین زدند. البته تعیین درجه‌تاء شیر  
اقدامات انگلیسی‌ها در ایجاد این اختلافات غیرممکن  
است ولی به احتمال قوی اقدامات مزبور موثر شریک  
است.

مصدق البته از این فعالیت‌ها مطلع بود. در تاریخ ۱۶  
ژوئیه او یک واکنش ناگهانی نشان داد به این معنی  
که پس از آن که بر سر مسئله کنترل توای نظامی با شاه  
اختلاف پیدا کرد، استعفا نمود. نگاه شاه قوام را به  
نخست وزیر منصوب کرد. ظاهرًا "نقشه روی کار آمدن  
قوام هنوز تکمیل نشده بود. جبهه ملی تظاهرةرات  
عظیمی برای برگرداندن مصدق ترتیب داد. جریان  
این تظاهرةرات به خونریزی کشید. ۹۶ نفر کشته و  
بیش از ۷۵۰ نفر زخمی شدند. شاه برای فرونشاندن  
تظاهرةرات از قوای انتظامی استفاده نکرد و چون قوام  
بین مردم نقطه اتکالی نداشت پیروان مصدق در نبرد  
خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر غلبه کردند و در تاریخ  
۲۱ ژوئیه مصدق را پیروز مندان نه به کرسی نخست وزیری  
برگرداندند.

این رویدادها نتایج شومی به بار آورد. روحیه ارتش  
شدیداً تنزل کرد مخصوصاً چون مصدق اقدام به  
یا کسای افسران ارتش نمود. انگلیسی‌ها و طرفداران نشان  
ستوحش شدند. میدلتن گزارش داد که در باره سخت  
تضعیف شده و ممکن است دیگر نتوان از پیشرفت کمونیسم  
جلوگیری کرد. او چنین اظهار نظر کرد که: "وقایع ۲۱  
ژوئیه را باید نقطه عطفی در تاریخ ایران تلقی نمود  
در گذشته طبقه حاکمه کوچک نخست وزیر را با حکمیت شاه  
انتخاب می‌کرد ولی حالاً تصمیم در دست توده مردم  
است."

قضیه قوام برای جبهه ملی هم شکالانی پیش آورد حزب  
توده روز بروز قوی ترمی شد و جبهه ملی اقدامات  
به عمل آورد تا فعالیت حزب را تحت کنترل آورد. مصدق  
در مورد تعیین وزراء و تقاضای اختیارات قانون گذاری  
با کاشانی و بعضی افسران جبهه شدیداً اختلاف پیدا  
کرد. حزب پان ایرانیسم به چند دسته تقسیم شد. گروهی  
از افسران به رهبری زاهدی با کمک برادران رشیدان  
شروع به توطئه علیه مصدق نمودند. زاهدی سرلشکر  
بازنشسته و عضو ستا رئیس جمعیت افسران بازنشسته

بود. انگلیسی‌ها او را در سال ۱۹۴۱ به علت فعالیت  
علیه نیروهای متفقین با زدا شد کرده بودند او در  
کابینه مصدق وزیر بود و تا هنگام شورش ماه ژوئیه از  
جبهه ملی پشتیبانی می‌کرد. ولی در آن موقع به  
علت تجدید فعالیت توده و از هم پاشیدگی ارتش به صف  
مخالفت پیوست.  
کمی بعد از ۲۱ ژوئیه که مصدق دوباره به نخست وزیری  
منصوب شد زاهدی ورشیدیان را شروع به توطئه علیه مصدق  
نمودند. یک نماینده از طرف کاشانی همراه با مکی و  
بقاشی و حاج پیرزاده، از رهبران جبهه ملی، با زاهدی  
تماس گرفتند و از مصدق اظهار ناراضی کردند. ظاهرًا  
زاهدی پشتیبانی کاشانی را در ازای این وعده بدست  
آورد که او را در تعیین وزیران کابینه بعد از زودتاً  
سپهمن خواهد کرد. از این مرحله به بعد کاشانی و مکی و  
بقاشی و حاج پیرزاده بطور غیر منظم با زاهدی علیه مصدق  
هنگامی کردند و در صف سرخست ترین مخالفان مصدق قرار  
گرفتند. ظاهرًا زاهدی با یکی از اعضای سفارت انگلیس  
ملاقات کرد و اظهار کرد که با توسعه نفوذ امریکسا در  
ایران مخالفت است. عضو مزبور به وسیله تلگراف از  
لندن دستور خواست و از آنجا که در "من نمی‌خواهم  
رشیدیان را در دست اندر کار یک کودتا کنم و بعد مجبور  
شوم دستور را نقض کنم." (۴)

زاهدی در ماه‌های اوت و سپتامبر زمینه سازی برای  
خود پر دخت او ابوالقاسم بختیار را که از خوانین بود  
و در زمان جنگ بین المملکتی دوم با او به نفع نازی‌ها  
کار کرده بود با خود همراه کرد. زاهدی با میدلتن ملاقات  
کرد و تقاضا کرد که انگلیسی‌ها به او اطمینان بدهند که  
او مخالفت نخواهد کرد و موافقت امریکسا را با نقشه  
توطئه او جلب خواهد کرد و در مورد رد حمله اختلاف نفت هم  
شرایطی شبیه آنچه برای قوام قائل شده بود تدرجاً او  
منظور خواهد نمود. میدلتن موضوع را به لندن مخابره  
کرد و از لندن به دستور داده شد که به زاهدی کمک کنند.  
سرویس جاسوسی ام. ای. ۶ انگلیس تسلیحات برای  
بختیاری‌ها فرستاد. میدلتن با هندی در سن سفیر امریکسا  
گفتگو کرد ولی سفیر در باره زاهدی تعهدی ننمود در  
تاریخ ۸ سپتامبر زاهدی با یک همکار نزدیک او هم  
هندی ملاقات کرد و اظهار نمود که مصدق نمی‌تواند جلو  
کمونیست‌ها را بگیرد اما حکومت دیگری که قادر به این  
کار هست بزودی بر سر کار خواهد آمد (۵). مصدق هم‌انطور  
که از کارهای قوام مطلع شده بود، از نقشه‌های زاهدی  
هم‌آگاه شد و اقدام کرد که پیش از اجرای نقشه‌های مزبور  
جلوی فعالیت زاهدی را بگیرد. در تاریخ ۱۳ اکتبر  
دستور با زدا شد برادران رشیدیان و سرلشکر عبدالحمین  
حجازی صادر شد. حجازی از همکاران زاهدی بود که در ماه  
اوت از ریاست دانشگاه نظامی معزول شده بود. ضمناً  
سرلشکر آریانا هم در رابطه با توطئه از ارتش برکنار  
شد و زاهدی فقط در پناهی مأمونیت پارلمان از زاهدی  
محفوظ ماند. سه روز بعد یعنی در تاریخ ۱۶ اکتبر، مصدق  
با انگلستان قطع رابطه کرد. از آن پس انگلیسی‌ها

چون دیگر یگانگی برای فعالیت در ایران نداشتند  
مجبور شدند ارتباط با مصدق را به امریکسا  
کنند.

۱ - نویسنده در حواشی کتاب توضیح می‌دهد که از رشید  
ملی امریکسا و مرکز اسناد عمومی انگلستان استفاده  
کرده و با همه ما موران سپاه در کودتا دخالت داشته‌اند  
بجز یک نفر که حربه مذاکره نشده و با دو نفر از انگلیسی‌های  
که در جای کودتا شریک بوده‌اند، و با دو معاون وزیر  
خارج امریکسا که در سالهای مورد بحث مسئول امور خاور  
نزدیک بوده‌اند مصاحبه کرده است. این مصاحبه‌ها بین  
تابستان سال ۱۹۸۳ و تابستان سال ۱۹۸۵ صورت گرفته  
است.

۲ - نویسنده در حواشی می‌گوید مدرک این اظهارات  
گزارش‌های رسمی سفارت انگلیس به وزارت خارجه است  
که چریک مذاکره با شاه را در تاریخ‌های ۳۰ ژوئن و ۲  
ژوئیه و ۱۶ ژوئیه و ۵ اوت شرح می‌دهند.

۳ - نویسنده در حواشی می‌گوید که ستوکس به گزارش‌های  
سخت حمله کرد و طی داداشتی به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۵۱  
اینگونه اظهار نظر کرد که "اتلاف وقت با بحث درباره  
پیرمردانی که از اعتبار افتاده‌اند (یعنی سیدضیاء)  
ما را به جایی نخواهد رساند" علاوه بر تاریخ ۱۷ سپتامبر  
شاه اظهار کرده بود که در آن موقع تغییر مصدق عملی  
نخواهد بود. نویسنده می‌گوید جای تعجب نیست که به  
فایده کمی بعد محل ما موریت شپرد تغییر کرد.

۴ - نقل از حواشی با استغاده به نام هندی در سن به اجین  
به تاریخ ۲۸ سپتامبر اسناد دیگر مورخ ۱۴ و ۱۸ اکتبر  
۱۹۵۲: در این هنگام کاشانی با توده‌های دسیسه‌ساز  
کرد. رهبران توده طی یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در مساه  
سینا میر تعهد کردند که اگر کاشانی قول بدهد که مستشاران  
در ایران ببینند و رفت و آمد امریکسا‌ئی‌ها را در شمال  
ایران محدود کند به او برای انتصاب به نخست وزیر  
گفتگو کنند. همچنین گفته شده است که کاشانی از توده پول گرفت.  
در تاریخ ۱۲ اکتبر سیدضیاء به یکی از اعضای سفارت  
انگلیس گفت که کاشانی از زاهدی پشتیبانی می‌کند  
این قصد که با لامل او را برکنار کند و خود جایش را بگیرد.  
۵ - نقل از حواشی: طبق گزارشی از رشید دولتی  
ایرانی که به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۵۱ تحت عنوان:  
"دسیسه‌هایی بین ایل بختیاری" انگلستان از ابتدای  
قرن بیستم ارتباط نزدیکی با بیشتر خوانین بختیاری  
برقرار کرده بود به آن‌ها پول می‌داد برای آن که مناطق  
نفت خیز را حفظ کنند. ابوالقاسم بختیار طرفدار  
انگلیس نبود بلکه انگلیسی‌ها و همکاران بختیاری  
آن‌ها و او را شوکی می‌دانستند چون افراد ایل را علیه  
خوانین دیگر تحریک می‌کرد.

(بقیه در شماره آینده)



بقیه از صفحه ۱

اعتراف‌های جهانی به جنگ شیمیایی

تلویزیون‌های عرب شب‌ها رشنیه ۲۳ ما رس نخستین تصاویر تلویزیونی بمباران شیمیایی حلبچه را که به وسیله جمهوری اسلامی تهیه شده بود به نمایش گذاشتند. خبرنگاری فرانسه نوشت: این فیلم‌تان دهنده، جا ده‌ها و کوجه‌های حلبچه را نشان می‌داد که از جسد دکان و زنان و مردان پوشیده است.

کردستان عراق انجامید، مگر حمله تاسف‌بار تازه‌یی در جنگ ایران و عراق است و از نظر بارید محکوم شناخته شود. روزپنجشنبه ۲۴ مارس، دولت فرانسه نیز، رسماً "مراتب نگارنی عمیق خود را نسبت به بمباران شیمیایی حلبچه از سوی عراق، اعلام داشت و بیست و چهار ساعت بعد، پرزیدوکوشیا، دبیرکل سازمان ملل متحد، در بیانییه‌یی که توسط سخنگوی وی قرائت شد، بمباران‌های شیمیایی توسط عراق را به شدت محکوم ساخت.

دربیی پخش این فیلم تلویزیونی، میر حسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۲۳ مارس اظهار داشت که حیثیت و آبروی سازمان‌های بین‌المللی و رهبران سیاسی جهان هم‌اکنون در گرو موضعی است که در برابر بمباران‌های شیمیایی عراق در مقابل گردن نشین اتخاذ می‌کنند و کمال خرازی، رئیس ستاد تبلیغات جنگ اعلام کرد که جمهوری اسلامی نیز ممکن است به سلاح‌های شیمیایی متوسل شود، اما تصمیم ما به‌واسطه کنش شورایی امنیت در مقابل کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق بستگی دارد.

وی افزود: حقوق بین‌الملل انسانی، استغنا ده‌ا ز سلاح‌های شیمیایی را در هر مورد به طور درستی ممنوع کرده است. از سوی دیگر، پرزیدوکوشیا رسماً "تصمیم خود را در برابر اعزام هیئتی از سوی سازمان ملل متحد در روز دوشنبه ۲۸ مارس برای تحقیق درباره بمباران‌های شیمیایی به تهران اعلام کرد.

ساعتی پیش از پخش تصاویر هولناک بمباران شیمیایی حلبچه، دولت آمریکا به شدت کاربرد جنگ افزایش‌یافته شیمیایی از سوی عراق را محکوم ساخت و تصاویر و صحنه‌های بمباران شیمیایی این شهر را وحشتناک و خشم‌آور توصیف کرد. چارلز ردمین، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا واقع حلبچه را تجاویزی جدی به کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنور ژنینه ممنوعیت جنگ شیمیایی توصیف کرد. وی در عین حال افسزود اطلاعاتی در دست است که جمهوری اسلامی نیز در کردستان از سلاح‌های شیمیایی (خبرهای توپ‌خاوی مواد شیمیایی) استفاده کرده است. بی‌درنگ جمهوری اسلامی، این اتهام را بی‌اس‌خوآند.

به گفته سخنگوی ملل متحد، این هیئت از دو کارشناس تشکیل شده است که یکی از آن‌ها پزشک است و طی ماه موریتی کوتاه، مجروحان ایرانی را در تهران معاینه خواهد کرد.

از سوی دیگر، "مارلین فیتزواتر" سخنگوی کاخ سفید نیز اظهار داشت که این وقایع وحشتناک نشان می‌دهد که ایمن جنگ ایران و کربا بدهر چه زودتر بیایان یابد.

در این میان، به گزارش خبرنگاری فرانسه، دولت عراق، روزشنبه ۲۶ مارس تلویحاً به کاربرد سلاح‌های شیمیایی اعتراف کرد. در بیانییه‌یی که از سوی نماینده‌های عراق در این روزها قرائت شد، آمده است که عراق نمی‌تواند در برابر برتجا و جمهوری اسلامی و امواج تهاجمی آن ساکت بنشیند و به جراتی این اعلام می‌دارد که قطعاً تصمیم گرفته است با همه وسایلی که در دسترس دارد، از خود دفاع کند.

همزمان، کمیته بین‌المللی ملبیب سرخ اعلام کرد که کاربرد سلاح‌های شیمیایی که به مرگ شمار بسیاری از مردم غیرنظامی می‌

رفت، در این میان، به گزارش خبرنگاری فرانسه، دولت عراق، روزشنبه ۲۶ مارس تلویحاً به کاربرد سلاح‌های شیمیایی اعتراف کرد. در بیانییه‌یی که از سوی نماینده‌های عراق در این روزها قرائت شد، آمده است که عراق نمی‌تواند در برابر برتجا و جمهوری اسلامی و امواج تهاجمی آن ساکت بنشیند و به جراتی این اعلام می‌دارد که قطعاً تصمیم گرفته است با همه وسایلی که در دسترس دارد، از خود دفاع کند.

عراق در این بیانییه، محکومیت خود را توسط مراجع بین‌المللی و کشورهای خارجی که بندگان را به استفاده از جنگ افزار شیمیایی متهم ساخته‌اند، رد کرد، اما بر حق و اراده خود مبنی بر توسل به همه وسایل موجود برای مهار کردن تجاوز جمهوری اسلامی تاسف‌آور زید، در بیانییه همچنین آمده است که همه مواد حقیقی بین‌المللی با یدر عایت خود صلح باید مورد قبول جمهوری اسلامی قرار گیرد، وگرنه کشورهای مورد تهدید ناگزیرند همه وسایلی را که در اختیار دارند در دفاع از خود به کار ببرند.

در بیانییه انتشاریافته عراق، روزجمعه ۲۵ مارس جمعیت عظیمی از سوتدی‌ها در برابر سفارت عراق در استکهلم دست به تظاهرات زد، به شدت نسبت به استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی بغداد، اعتراض کردند. تا بمزیدن نوشتن هجوم تظاهرات کنندگان به سوی در ورودی سفارت عراق به اندازیه‌یی بود که پلیس سوار استکهلم برای واپس راندن آن‌ها ناگزیر به استفاده مداخله شد.

همزمان با این تظاهرات، دبیرکل ملبیب سرخ بین‌المللی شایخه سوئد، اعلام کرد که ده‌تن از زخمیان ایرانی بمباران‌های شیمیایی عراقی در کردستان برای معالجه به سوئدا اعزام خواهند شد.



هم‌میهنان عزیز! هر روز تلغین خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شمارا در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد. ۴۰۵-۹۰-۴۰۵ پاریس

زندگی سیاسی مصدق



فواد روحانی در دست نهضت ملی ایران ۶۱۴ صفحه به: ۶۰ فراتگ فرانسه با معادل آن به اناناهزینیهست - برای اروپا: هوائی ۲۰ فراتگ زمینی ۱۰ فراتگ ضمناً "نمنا دی از انشارات نهضت مقاومت ملی ایران بشرح زیر، در دفتر قیام ایران موجود است. قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی - دکتر مصطفی رحیمی ۲۴۰ صفحه انترناسیونال بجه برورها - ایبرج بزنگ زاد ۱۹۷ صفحه مروری در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران - ایبرج بزنگ زاد ۲۲۳ صفحه مروری برواقعه ۱۵ خرداد ۱۳۲۵ - ایبرج بزنگ زاد ۹۹ صفحه بهای هر یک از جها رکتا ب فوق، با احتساب هزینه‌بست زمینی ۳۰ فراتگ است.

توضیح

عده‌ای از خوانندگان ما که علاقه مند به دریا فت کتاب زندگی سیاسی مصدق و سایر انشارات نهضت هستند، به علت اشکالات و هزینه‌حواله بانکی، از ما می‌پرسند که آیا میتوا ندمعادل بهای کتاب را به ما رکتا بانی یا شلینگ اتریشی و غیره، بصورت اسکناس جوف یا کت ارسال دارند؟ دریا سخ‌آنان یا دآوری می‌کنیم که عده‌ای از خوانندگان ما به همین نحو عمل کرده و کتاب دریا فت داشته‌اند ولی خطر البته ضعیف - کم شدن یا کت پستی را تنها بیدار نظر دوردا شت.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فراتگ فرانسه - شش ماه ۱۲۰ فراتگ فرانسه - دانشجویان نصف قیمت اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی: Nom ..... نام: Prénom ..... آدرس: Adresse: ..... شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

توجه لازم

تعداد ارد تقاطعاتی اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرمائید. نامه‌های کتبه آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی‌رسد.

بقیه از صفحه ۵

فد مارشالها در لباسی رزم

اینجاست که می‌بینیم، فلدما رتال‌های "بی طرف"، حطورا سترا تزی آخوندها را اقتباس کرده‌اند. در عدلنه ایران، آن موقعی که هوزیستیم "عدالت اسلامی" برقرار نشده بود، در موار دنا دری کهضا بطین عدلیه موفق میشدند یک طلبه یا روضه‌خوان متهم به اختلاس، کلاهبرداری، جعل و سایر جرائم را به‌داسرا بکشانند، بمحض اعلام اتهام از طرف قاضی تحقیق، متهم شروع به‌داسدوقریا می‌کرد که: چرا به‌دین خدا توهین می‌کنید؟ یا االناس، ببینید جدی کویند اما ما صادق کلاهبردارا ست، ابوالفضل عباس جاعل است، صاحب‌الزمان سلام‌الله علیه حک بی محل کشیده است! آن چیزی که در این بکومکوی ارتسبب عظیمی و سایر "امرای فداکار و روحاع" ۲۲ بنیسی موجود نیست کمی "حیا" است، که آکر بود...

بقیه از صفحه ۷

تورده‌های گه‌گشت ۰۰۰

لحظه‌ای که‌ها شمی رفتن خانی خود را برای برکزاری یک کنفرانس مطبوعاتی آماده می‌کرد، در نزدیکی مجلس شورای اسلامی فرودآمدبیطوری که شیشه‌های مجلس فرو ریخت. \* ۱۲ کشور با زار مشترک اروپا استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جنگ جمهوری اسلامی عراق بحدت محکوم کردند. \* سخنگوی وزارت خارجه ترکیه اعلام کرد دوهوا بیعی تا سناس در دویوبت ۶ بمب برنوا جی مرزی ترکیه و عراق فروریختند. ترکیه این عمل را به جمهوری اسلامی نسبت داد و وزارت خارجه ترکیه اعتراضی شدید دولت ترکیه را به کار برد جمهوری اسلامی تسلیم کرد. جمعه ۵ فروردین \* دبیرکل سازمان ملل کا ربردسلاح‌های شیمیایی را توسط عراق بحدت محکوم کرد و اعلام داشت روز دوشنبه آینده هیئتی دوفره را برای تحقیق در این باره به تهران خواهد فرستاد. یکشنبه ۷ فروردین \* عراق دو موبک به تهران و دو موبک به اصفهان شلیک کرد. جمع موبک‌های تلیک شده عراقی تا امروز به ۱۱۵ فروند رسید که ۵۳ فروند آن به تهران شلیک شده‌است. \* عراق بطور تلویحی کا ربردسلاح‌های شیمیایی را تا شید کرد و اعلام داشت در مقابل مهاجم دست روی دست نخواهد گذاشت و برای دفاع از خود بپروسیله‌ای که در اختیار دارد دستوسل خواهد شد.

خوشی باید که بریزند.

بقیه از صفحه ۱

ندا رود آلت بلا را ده بی در دست  
آخوندها ست که خودشان هم نمی فهمند چه  
غلطی می کنند، از نشستن و برخاستن و  
مذاکره کردن با وزیر امور خارجه یا  
معاونان و نمایندگان وی چه حاصل؟  
در ایران، هیئت دولتی و وزارت امور  
خارجیه به صورت ظاهر وجود دارد ولی  
این ها عملاً هیچ کاره اند. سیاست های  
اساسی کشور از جمله سیاست خارجی را  
رئیس جمهوری یا نخست وزیر یا وزیر امور  
خارجیه و دیگران که مقام رسمی دارند اداره  
نمی کنند. این کارها در جمهوری اسلامی  
اختیارش بدست کسانی است که مسئول  
اشباح وجودشان محسوس و در عین حال  
ناملموس است. این ها عبارتند از  
اشخاصی که با بدلیل قرابت خانوادگی یا  
سوابق و روابط شخصی به "بیت امام" راه  
دارند و هر کدام زودتر دستشان به "امام"  
برسد و در مزاج او تاءثیر بگذارد مرکز  
تصمیم گیری را برای مدتی با نظریات  
خودشان همراه می کنند و همین نظریات  
متناقض و متغیر است که از "بیت امام"  
به دستگای اجرای اجرائی دیکته میشود و  
ملاک عمل قرار میگیرد تا وقتی "ناسخ" آن صادر  
شود!

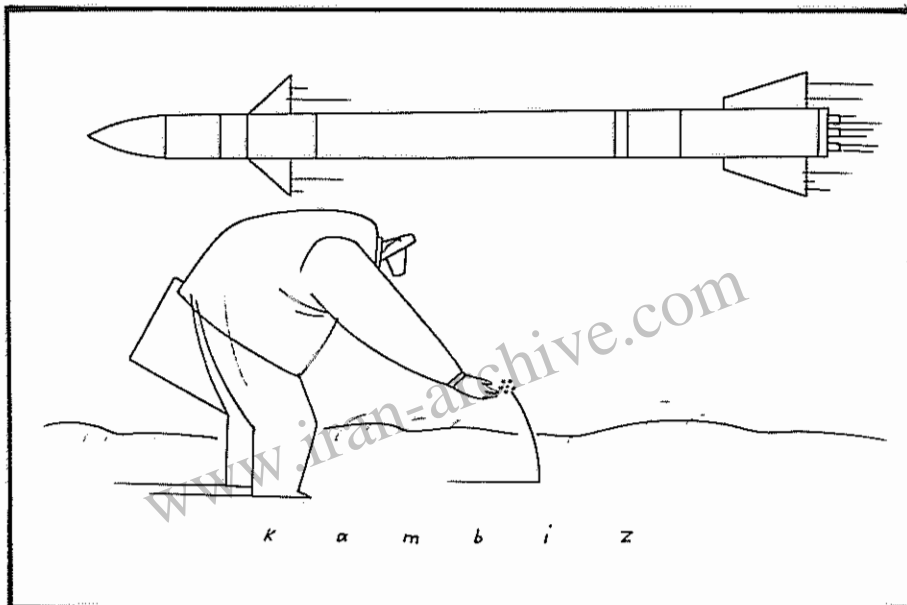
راجع به قضیه گروگان گیری تاکنون  
تعداد زیادی کتاب و گزارش منتشر شده  
است. مجموعه این گزارش ها بزرگ نکتته  
گواهی میدهد که بازی گروگان گیری در  
اختیار دولت و شورای انقلاب و رئیس  
جمهوری و نخست وزیر و وزیر خارجه نبود.  
اشخاصی غیر مسئول در پشت پرده این  
بازی را شروع کردند بی آن که بدانند  
به کجا میکشد و ادا مدها دند بی آن که  
به عواقب و آثار آن بیندیشند. مهندس  
بازرگان و وزیر خارجه کا بینه موقت -  
دکتريزادی - در برخورد با قضیه  
اشغال سفارت و گروگان گیری دیپلماتی  
آمریکائی متوجه شدند که هر دو هیچ کاره اند  
و بطور کلی در نظام حکومتی جدید، دولت  
کاره بی نیست. این بود که عتبه را  
بوسیدند و کناره رفتند و کسی هم که بعد از  
آن ها مصدر کار شدند در طول یک سال و سه  
ماه که بازی ادا مدها شد تیر در تیر یکی  
می انداختند. آن ها در کار درو را بسط  
دیپلماتیک با مجامع بین المللی و  
دولت های خارجی و شخصیت های سیاسی و  
غیر سیاسی راجع به گروگان ها مذاکره  
می کردند و قول و قرار می گذاشتند و گهگاه  
پیش خودشان خیال می کردند به حل و  
فصل قضیه نزدیک شده اند اما در نهایت  
امران چه را که این "اشخاص مسئول"  
در طول هفته ها بیا و برو و بگو و بشنوو  
رشته بودند اشخاص غیر مسئول با یک  
حرکت پنبه می کردند و حضرات سنگر روی  
پخ می شدند.

بنی صدر که در دوران گروگان گیری وزیر  
امور خارجه و بعد رئیس جمهوری - و در هر  
دو حال عزیز کرده آقای خمینی - بود،  
در کتاب "خیانت به امید" می نویسد  
اوایل هر چه ما می گفتیم نگاهداشتن  
گروگان ها به صلحت مملکت نیست و باید  
وارد معامله شد و امتیازاتی گرفت و قال  
قضیه را کنده گوش خمینی فرو نمایی  
رفت. در نتیجه گروگان ها آنقدر در

## اشباح تصمیم گیرنده

### واجساد بی تصمیم

اسارت ما تندی تا کما بر عکس شد و خمینی  
حسن کرد که با بد خود را از شر گروگان گیری  
برها ندهد و فرستادگان و ویژه و با بیاهای  
محرمات نه بخارج رفتند و کما به مذاکرات  
الجزایر رسید. درین مرحله هر چه ما گفتیم  
رها کردن گروگان ها به این ترتیب  
خیانت به مملکت است آقای خمینی گوش  
بدهکار نبود و پایش را در یک کفش کرده  
کار با بد تمام شود!  
کورت والدهایم رئیس جمهوری کنونی  
اتریش در زمانی که دبیرکل سازمان  
ملل متحد بود به میدفصله بخشیدن به



k a m b i z

وزیر و وزیر امور خارجه گرفته تا عوامل درجه  
دوم و درجه سوم اصولاً اشخاصی نیستند که  
از خودشان عقیده و نظری داشته باشند.  
بفرض هم که در مسائلی به انداز فراوان  
معمولی ما حب فکر و عقیده با شنیدن نوشت  
بازرگان و قطب زاده و بنی صدر به آن ها  
آموخته است که شرط سلامت درین رژیم  
اینست که انسان نه چیزی بداند، نه چیزی  
بفهمد و نه چیزی بگوید. فقط آن چیزی  
را با بد بگوید که طوطی و ابر سرزبان نش

ما برای گروگان گیری سفری به تهران  
کرد. آن زمان صادق قطب زاده وزیر امور  
خارجیه بود و او الدها بیم در خاطر تراشش  
می نویسد که قطب زاده واقعا "میخواست  
راهی برای ختم بحران گروگان گیری  
پیدا کند اما کاری از دستش ساخته نبود.  
کورت والدهایم نوشته است بعد از آن که  
به تهران رفتم تا زه فهمیدم مرا هم بسه  
آنجا کشته اند که در نمايش خودشان  
نقشی به گردن بگذارند و بازی را کمتر

می گذارند و لو آن که امروز یک چیز بگوید  
و فردا خلاف آن را...  
آقای ده کوئی را با این چنین اشخاصی  
چه مسئله بی را میتوانند حل کنند؟  
ده با ردیگر هم آقای ولایتی یا نمایندگان  
وی به نیویورک بروند و با دبیرکل سازمان  
ملل مذاکره کنند بقیه "چیزی حل نمی-  
شود."  
یکی از کسانی که در مسئله جنگ ایران و  
عراق نقشی مذاکره کننده را برعهده  
دارد آقای لاریجانی معاون وزارت امور  
خارجیه جمهوری اسلامی است. ایشان اخیراً  
به جلسه "گفت و گوهای سیاسی" در دانشگاه  
تهران دعوت شده بود. سئوالی که با  
این طراح برجسته دیپلوماسی کشور  
در حال جنگ در میان گذاشته اند و جوابی  
که او داده است بسیار ریشخندنی  
است: می پرسند:

"آیا تحرک اخیر سیاسی ایران در تمامی  
مراکز تصمیم گیری داخل کشور مورد  
تائید واقع شده یا مخالفینی نیز  
داشته است؟"

میگوید:

"اصولاً هیچ تصمیمی راجع به جنگ  
بدون نظرافرادی که شرعا "بایسد در  
مسئله دخالت داشته باشند قابل اجرا  
نیست و وزارت امور خارجه هرگز برخلاف  
این روال اقدامی انجام نمی دهد. درین  
زمینه نیز ریشه تمام ولایت ها به ولایت  
فقیه بازمی گردد. بنا بر این تمام مسائل  
مربوط به جنگ مسیر کلی خود را در مرا حل  
تا بید و تصویب حتماً طی می کند."

به زبان خیلی ساده، ایشان میفرمایند  
من و آقای ولایتی و امثال ما چه کاره ایم  
که بتوانیم دربار جنگ و مسائل مربوط  
به جنگ تصمیمی بگیریم؟ تصمیم گیرنده  
"ولایت فقیه" است و در برابر تصمیمی که  
"ولایت فقیه" اتخاذ می کند کسی  
جرات ندارد که کلمهء مخالف بر زبان  
بیاورد؟

از مذاکره با چنین عناصری دبیرکل  
سازمان ملل متحد کدام مشکل فرو بسته را  
میتوانند بکشاید؟!

## تظاهرات ضد جنگ

### در آلمان

در شهرها میبورگ واقع در آلمان غربی  
اعضاء و هواداران نهضت مقاومت ملی  
ایران در روز ۲۶ اسفند ماه در مقابل  
کنسولگری جمهوری اسلامی اجتماع  
کردند. تظا هر کنندگان در حالی که هریک  
مشعل در دست داشتند، علیه رژیم  
جنگ افروزمی شاعر می دادند آن ها  
با فریادهای جنگ بس است، صدور اسلحه  
آلمانی به رژیم خمینی موقوف، توجه  
خاص شهروندان آلمانی را جلب کردند.  
در پی این تظاهرات واحد شهری نهضت  
مقاومت ملی ایران در مونیخ از ایرانیان

مقیم مونیخ دعوت بعمل آورد که صرف نظر  
از گرایش های خاص سیاسی، به منظور  
اعتراض به ادامه جنگ ویرانگر ایران و  
عراق و برای تنفر نسبت به رژیم  
جنگ افروزمی در تظاهرات ضد جنگ  
شرکت کنند. به این دعوت گروه کثیری  
از ایرانیان پاسخ مثبت دادند و در  
ساعت ۱۱ صبح ۱۲ اسفند ماه راهپیمائی  
ضد جنگ ایرانیان از میدان دانشگاه  
مونیخ به سوی یکی از میدان های بزرگ  
شهر آغاز گردید. در پایان مسیر  
تظاهرات قطعنا مدهای قرائت گردید که  
در آن شرکت کنندگان همصدا ادامه  
جنگ و بمباران شهرها و رژیم جنگ افروز  
خمینی را به شدت محکوم کردند.  
در این قطعنا مدها تا کید بر صلح طلبی

مردم ایران و ابراهمدردی و همبستگی  
با ایرانیانی که در داخل کشور در معرض  
خطرهایی بی شمار جنگ شهرها هستند قطع  
فوری جنگ شهرها مورد تائید قرار گرفته  
است.  
در قطعنا مدها صدور اسلحه به طرفین درگیر،  
به ویژه صدور اسلحه از سوی شرکت های  
آلمان خصوصاً شرکت لاسکو و دینامیت  
نوبل به ایران محکوم شده و از سازمان  
ملل و کلیه سازمان های بین المللی  
مسئول و کشورهای آزاد جهان خواسته شده  
است که ضمن جلوگیری از صدور اسلحه به  
کشورهای درگیر، برای استقرار آتش بس  
و صلح عادلانه هر چه زودتر اقدام کنند.

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی:

QYAM IRAN  
C/O C. B.  
17, bd RASPAIL,  
75007 PARIS  
FRANCE

